

## فقه نظام

\*علی اکبر رشاد

### آیت‌الله رشاد: اداره جامعه با احکام بی‌نظام ممکن نیست

به گزارش اداره روابط عمومی و اطلاع رسانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، آیت‌الله علی‌اکبر رشاد رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و رییس شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه استان تهران پیش از آغاز درس خارج فقه که امروز صبح دوشنبه در حوزه علمیه امام رضا(ع) تهران برگزار شد، نسبت به اظهارات آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی مبنی بر عدم نظام‌مندی فقه و تقلیل فقه اسلامی به مجموعه‌ای از قواعد و احکام فاقد نظام، واکنش نشان داد و گفت: آقای فاضل که از مدرسین سطوح عالی حوزه علمیه قم است، در ضمن سخنرانی در دومین همایش نکوداشت مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی (ره) گفته بود: فقه فاقد نظام است، و نظام‌سازی فقهی ممکن نیست، و اگر چنین بود، آن کسی که باید به آن می‌رسید در درجه اول حضرت امام(ره) بود.

آیت‌الله رشاد در ادامه با تمسک به حکمت باری و شارع در تکوین و تشریح، و تأکید بر حکیمانگی خلقت و شریعت که نظام‌مندی نشان اصلی آن است، همچنین با استشهاد به برخی آیاتی که تکوین و تشریح را نظام‌مند می‌داند، و نیز با ذکر روایاتی که ثقلین (قرآن و عترت) را موجب نظام و انسجام شریعت و امت دانسته است، به نظرات آیت‌الله فاضل پاسخ داد و ابراز کرد: چندی است که هر کس از راه می‌رسد، و هر که فرصتی می‌یابد، نقدی و نقضی بر فقه وارد می‌کند و هجمه‌ای و حمله‌ای به فقها می‌برد، و گاه حتی افرادی که از آن‌ها توقع نمی‌رود نیز چنین رفتار می‌کنند، گویی این رویه مد شده و «هر دم از این باغ بری می‌رسد!»

رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بیان داشت: اخیراً در رسانه‌ها آمده که یکی از فضلالی محترم که از مدرسین موفق سطوح عالی حوزه علمیه قم است در خلال سخنرانی در یک همایش مطالبی فرموده است که اگر انتساب آن‌ها به ایشان درست باشد بسیار مایه تعجب و تأسف است من برای شخص و شخصیت ایشان، به اعتبار فضائل خود او و به اعتبار مقام والد بزرگوارشان، احترام خاصی قائلم. ایشان فرد محقق است، من باور نمی‌کنم ایشان به چنین مطالبی تفوه کرده باشند.

تولیت حوزه علمیه امام رضا(ع) ادامه داد: در رسانه‌ها آمده است که گویی ایشان فرموده‌اند فقه ما فقط مجموعه‌ای از قواعد و احکام است، و نظامی در ورای آن نیست یعنی گویی فرایند استنباطات فقه ما چنان بوده است که مقلد به‌طور جزئی و موردی استفتاء کرده و مجتهد هم موردی افتاء کرده، و سپس انباشته آن پاسخ‌های پراکنده و ازهم‌گسیخته نیز بین الدفتین تدوین و به‌عنوان فقه شیعه ارائه شده است لهذا از این فقه توقع نظام‌مندی و نظام‌پردازی و نظام‌داری نباید داشت.

آیت‌الله رشاد در ادامه ابراز کرد: همچنین (علی ما نُقل) ایشان گفته‌اند در مسائل روبنایی در اقتصاد، در هر فرعی از آن و در مالکیت خصوصی، اقوال، انظار، مختلط است، با اختلاف انظار چطور می‌شود به‌نظام رسید؟ اگر یک فقهی داشتیم، احکام واحدی داشت هیچ اختلافی هم در آن نبود اینجا ثبوتاً ممکن بود بگوییم به‌نظام می‌رسیم ولی با وجود اختلاف چطور می‌توانیم به‌نظام برسیم؟.

وی افزود: بنا به نقل‌ها، ایشان اضافه فرموده است که وقتی در اقتصاد می‌گوییم ما نظام اقتصادی داریم، در سیاست می‌گوییم نظام سیاسی داریم، در قضاوت باید بگوئید نظام قضایی داریم؟ باز یک سؤال دیگر پیش می‌آید که خود این نظام‌ها چه نظامی دارد، بالاخره این‌ها زیرمجموعه‌های دین هستند اگر زیرمجموعه‌های دین هست چطور می‌توانیم بگوییم؟ اگر شما می‌گویید در خود اقتصاد نظام است باید در مرحله کلان هم یک نظامی باشد که این‌ها قابل التزام نیست.

رئیس شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه استان تهران در ادامه بیان داشت: همچنین از قول ایشان آورده‌اند که اگر ماورای این فقه فردی یک فقهی به نام فقه نظامات داشتیم آن کسی که باید به آن می‌رسید در درجه اول حضرت امام (ره) بود. امام با همین فقه فردی انقلاب کرد. همچنین ایشان به نظریه شهید صدر مبنی بر اینکه ورای فقه فردی و احکام اسلامی در اسلام ما نظاماتی داریم می‌توان نظامات فقهی را از طریق مراجعه به آرای فقها و تجمیع و برآیند گیری از آن‌ها کشف کرد»، انتقاد فرموده‌اند.

آیت‌الله رشاد با انتقاد از این سخنان ابراز کرد: چون طلاب از ما سؤال می‌کنند، فارغ از «من قال» و فقط ناظر به «ماقال»، راجع به این مطالب مختصراً چند نکته عرض می‌کنم.

تولیت حوزه علمیه امام رضا(ع) ادامه داد: لازم است که پرسیده شود آیا مراد شما از فقه شریعت است؟ یعنی «مشیت تشریحیه نفس الامریه الاهیة» و «ما انزل الله علی العباد من الحقوق و التکالیف» است؟ (ما در دروس قبلی شریعت را با این عبارت تعریف کردیم که: «ما أنزل الله تعالی علی العباد من الحقوق و التکالیف، تنظیماً لثبوت حیاتهم المختلفه من هاتین الجهتین»)، یا مراد شما از فقه همان «محصل بذل و سع فقها برای کشف شریعت» است؟ ظاهر عبارات ایشان موهوم آن است که به مقام ثبوت و نفس الامر نظر دارند چون فرموده‌اند ما این مقدار که در فقه کار کرده‌ایم چیزی به نام نظام نداریم. نه، اسلام در هر زمینه‌ای احکام جزئی دارد، قواعد دارد. و اگر مراد ایشان از فقه شریعت نفس الامری است باید عرض کنیم.

وی در ادامه بیان داشت: اولاً شریعت همچون خلقت از ساحت باری و شارع حکیم صادر شده است، چون هر دو مجلای حکمت الهی‌اند، خلقت اثر تجلای تکوینی و شریعت اثر تجلای تشریحی است، و نظام‌مندی شاخص مهم حکیمانگی است، و حکمت بدون نظام بی‌معناست، پس هم خلقت و هم شریعت نمی‌توانند حکیمانه نباشند.

رئیس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران افزود: ثانیاً انکار نظم مساوق با انکار خلقت است، چون تحقق خلقت در رهن وجود نظم است. برای این که اگر نظامی بر جهان حاکم باشد نظام علی و معلولی هم وجود خواهد داشت، در نتیجه خلقت رخ خواهد داد. اما اگر قائل به نظم نباشیم نظام علی و معلولی وجود نخواهد داشت (و علی فرض وجود نیز) یا معلول‌ها از

علت‌ها صادر نخواهند شد، یا از هر علتی هر معلولی صادر خواهد شد؛ بنابراین انکار نظم به معنی انکار خلقت است و چون خلقت تحقق‌یافته نظم نیز وجود دارد.

تولیت حوزه علمیه امام رضا(ع) در ادامه تأکید کرد: همین قاعده بر شریعت نیز صدق می‌کند. شریعت همچون خلقت از ساحت شارع حکیم صادر شده است، و لاجرم باید حکیمانه باشد، بی‌نظامی نقص و عیب است پس خلاف حکمت است. فعل تشریح خود گواه بر وجود نظم است، لهذا تشریح نیز مانند تکوین نظام‌مند است.

آیت‌الله رشاد ادامه داد: و ثالثاً شریعت برای تمشیت و تنظیم امور و شؤون انسان‌ها آمده است؛ چیزی که برای نظام‌بخشی به امور گوناگون و تنظیم شؤون مختلف آمده خود نمی‌تواند بی‌نظام باشد. «ذات نیافته از هستی‌بخش / کی تواند که شود هستی‌بخش؟».

وی افزود: و رابعاً؛ به لحاظ زبان‌شناختی نیز شریعت یعنی منهج و منهج، و اگر شریعت منهج و منهج، صراط و سامانه زیستی است، و اگر انسان در آن گام بردارد اهل نجات و نجات خواهد شد که قطعاً چنین است، نمی‌تواند بی‌نظام باشد و اگر نظامی نباشد نجاتی محقق خواهد شد. مگر می‌شود آشوب و آشفتگی راه به نجات ببرد. بی‌نظمی و بی‌نظامی را نمی‌توان راه نامید، آشوب و آشفتگی بیراهه است.

رییس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران با استناد به آیه یکم تا چهارم سوره ملک، بیان داشت: خداوند در خصوص خلقت عالم تکوین در سوره ملک می‌فرماید خداوند هفت آسمان را به صورت طبقه و طبقه آفرید هدف خلقت خداوند تفاوت و تخلفی نمی‌بینید هر چند با دقت و به چندباره آن را واری و بازرسی کنی، آیا اختلاف و تفاوتی و یا نقص و عیبی در آن می‌بینی؟ حق تعالی در مورد تشریح نیز که در قالب قرآن کریم صورت بسته است، می‌فرماید آیا در قرآن تدبر نمی‌کنید این قرآن اعجاز و وحی الهی است و اگر از غیر خداوند صادر می‌شد دچار اختلاف و پراکندگی می‌شدید اما چنین نیست.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: پس چنان‌که به لحاظ عقلی نیز تبیین کردیم تکوین منظم است چون باری حکیم است، تشریح منظم است چون شارع حکیم است، از حکیم جز حکمت صادر نمی‌شود و بی‌نظمی عملی غیر حکیمانه است که از حکیم صادر نمی‌شود.

تولیت حوزه علمیه امام رضا(ع) بایان حدیثی از امیر حکمت و بلاغت امام علی(ع) گفت: «ألا إن فیه... نظم ما بینکم» (نهج‌البلاغه صبحی صالح: خطبه ۱۵۸) حضرت در شأن قرآن کریم می‌فرمایند آنچه باید در میان شما جریان پیدا کند در قرآن نظم و نظام آن وجود دارد؛ ایشان علاوه بر امامین همامین حسنین(س) فرزندان و اهل بیتش، به همه کسانی که در طول تاریخ تا قیام قیامت کلام امیر حکمت و بلاغت را می‌شنوند، می‌فرمایند: «اوصیکما و جمیع اهلی و ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم». از نظر حضرت تقوا که جوهر دین و گوهر دین است بانظم امر هم‌نشین شده؛ در این کلام، نظم امر دوشادوش، همزاد و همراه تقوا قلمداد شده پس چگونه ممکن است امام معصوم جامعه را هم‌افق باتقوا به نظم دعوت کند بعد بگوید مطالب ما پریشان و پراکنده و بی‌نظام است آیا این ممکن است؟ آیا ممکن است اصرار شود از دستور و تعالیم اهل‌بیت(ع) اطاعت شود اما بعد بگوییم: کلام و تعالیم آن حضرات نظام ندارد.

وی همچنین با استناد به خطبه فدکیه، عنوان کرد: حضرت زهرا(س) فرموده‌اند: «جعل الله... و طاعتنا نظاماً للملّه، و إمامتنا أماناً من الفرقه» (بحار الانوار: ج ۶، ص ۱۱۱) پیروی از ما اهل بیت(ع) را خداوند نظام امت قرارداد؛ آیا می‌شود نظام را از بی‌نظمی توقع برد می‌توان گفت شریعت بی‌نظم و بی‌نظام است اما تبعیت از او موجب نظام می‌شود؟ طاعت اهل بیت(ع) یعنی التزام به کلمات و تعالیم آن بزرگواران، تعالیم و کلمات آن بزرگواران اگر نظم‌ناداشته باشد آیا پیروی از آن موجب نظم امت می‌شود؟

آیت‌الله رشاد ادامه داد: آموخته‌ایم که به اهل بیت(ع) عرض کنیم: «السلام علیکم یا من هم زمام الدین و نظام المسلمین» (بحار الانوار: ج ۹۸، ص ۲۶۰) «شما سررشته دین، مایه نظام دین و امت هستید». و آموخته‌ایم که بر حضرت حجت(عج) عرض کنیم: «أنت نظام الدین و عز الموحدين» (بحار الانوار: ج ۹۹، ص ۹۹)

وی افزود: توقع نمی‌رود یک انسان فاضل فقه را فاقد نظام بداند، این سبب دل‌نگرایی مؤمنین می‌شود، در نهج البلاغه آمده است که امیر حکمت و بلاغت می‌فرماید: «الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ». (نهج البلاغه: قصار ۹۰) من به الکفایه و بلکه مافوق کفایت هستند کسانی که در این ایام به فقه و فقاہت و فقہا می‌تازند، دیگر خودی‌ها و اصحاب حوزه به این موج و مد نیبوندند و دامن نزنند.

رئیس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران تاکید کرد: اگر مراد استاد محترم از فقه، همین «محصل بذل وسع فقہا برای دستیابی به شریعت» است، یعنی آنچه طی اعصار بر اساس استنباط فقہا فراجنگ آمده است باید عرض می‌کنیم: چون فقه حاصل تلاش فقہای عظام و سلف صالح برای کشف شریعت نفس الامری است که نظام دارد، آن هم بی‌نظام نیست، زیرا هر چند فقه معرفت فقہا به شریعت است، اما فقہا اهل فن هستند و بر اساس مبانی محکم و به استناد ادله معتبر و طبق منطق و منهج موجه، برای دستیابی به حاق شریعت، دست به استنباط می‌زنند، فقه نظامی نزدیک به نظام شریعت را واجد است.

این مدرس خارج فقه و اصول بایبان اینکه فقہا ساختارهای مختلفی را طی تاریخ آن پیشنهاد کرده و اعمال کرده‌اند، گفت: آنچه در سده‌های اخیر بعد از محقق حلی(ره) و تألیف تاریخ‌سازش شرایع الاسلام، رایج بوده است همان الگوی چهاربخشی محقق، یعنی تقسیم کلان فقه به عبادات، عقود، ایقاعات و احکام است، و این الگو ایرادهایی دارد که ما قبلاً در همین درس آن‌ها را مطرح کرده‌ایم اما این ایرادها مستلزم فقدان نظام نیست، کما این که نقد ساختارهای موجود به معنی انکار نظام‌مندی نیست بلکه به معنای دفاع از نظام‌مندی فقه و تلاش برای کشف و یا صورت‌بندی کارآمدتر و روزآمدتر آن است. و البته وقتی فقه نظام‌مند انگاشته شده و غایت آن اداره نظام سیاسی قلمداد می‌شود، موضوع، مسائل، دسته‌بندی و طبقه‌بندی قضایا و نیز هندسه‌ی صوری و حتی منهج آن از این تلقی و تفطن متأثر می‌شود، و فقہا باید کوشش کنند این عناصر را کشف و تبیین کنند، و نظامات فقہیه مانند اصل مسائل فقہیه اجتهادی‌اند و می‌تواند حسب اجتهادات و ظروف و شرائط مختلف متفاوت باشد، فقہای هر عصری باید تلاض نمایند که نظم فقه را بهتر و بهتر سازند تا آن که نظم واقعی تشریحی، کشف و ارائه کنند.

وی افزود: نظام در لغت آمده: نَظَمَ نِظْمًا وَ نِظَامًا لِلْوَلْوَاءِ وَ نَحْوَهُ : آلفه و جمعه فی سلك، و منه نَظَمَ شعراً لتأليفه كلاماً موزوناً و مقفياً. نَظَمَ الشَّيْءَ إِلَى الشَّيْءِ: ضَمَّهُ وَ آلفَهُ. ما در جلسات آغاز دروس فقه القضاء نظام را با این عبارت تعریف کردیم: «ما يتألف من مؤلفات مختلفه متناسقه و متفاعله، يمتلك تمييزاً بالنسبه إلى الأنظمه الأخرى، و يستهدف تحقيق غايه مقصوده منه». نظام عبارت است از: مجموعه‌ی دارای اجزای منسجم و متعاملی که از دیگر نظامات متمایز بوده و غایت مقصودی را تامین می‌کند. آیا شریعت و بلکه فقه (که معرفت فقها به شریعت است) فاقد عناصر چهارگانه نظام است؟ فاقد اجزاء، انسجام و تعامل درونی، تمایز با دیگر علوم و نظام‌ها، و غایت‌مندی است؟ به نظر ما فقه موجود واجد این مؤلفه‌های چهارگانه است اما در حد کمال مطلوب نیست.

تولیت حوزه علمیه امام رضا(ع) بایان اینکه اصرار بر نظام دهی جدید فقه به معنی فقدان نظم در فقه کنونی نیست، گفت: این خلاف بدیهی است که کسی بگوید فقه کنونی فاقد نظم است. بلکه کسانی که می‌گویند باید نظام سازی فقهی کرد از سویی می‌گویند نظام و الگوهای ساختاری که در گذشته به فقه داده شده است متناسب با نیاز زمانه خود بوده و روزگار ما روزگار پیچیده و پیشرفته‌ای شده است باید نظمی متناسب و مطابق با اقتضائات این روزگار به فقه و احکام الهی داده شود و می‌گویند اگر نظم و نظام موجود فقه در گذشته‌های دور با مقاصد دیگری تنظیم شده است اکنون باید نظم متناسب با نیاز زمانه جدید داده شود، و این هرگز بعید نیست که نسل‌های آتی در قیاس با نسل‌های ماضی نوآوری کنند و مطالب جدید و عمیق‌تری از دین دریافت کنند. از جمله نظام کامل‌تری را کشف و ایجاد کنند. بسا فقهایی ظهور کنند که قوی‌تر از فقه‌های پیشین باشند، حوزه عقیم نیست، اسلام زنده، زایا و پویاست. سرشت شریعت چنین است و نقش اجتهاد همین است. آیت‌الله رشاد در ادامه بیان داشت: در خطبه الخیف که در کافی شریف وارد شده است و حضرت ختمی مرتبت (ص) آن را در منی ایراد فرمودند، آمده است: « قَرَبٌ حَامِلٌ فِقْهٍ غَيْرُ فِقِيهِ، وَ رَبٌّ حَامِلٌ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ». ممکن است فقیه نسل‌های بعد از فقیه نسل‌های قبل افقه و اعلم باشد، نباید استبعاد کرد. ما که سلفی نیستیم بر کلمات گذشتگان تصلب داشته باشیم، در مکتب اهل بیت (س) راه اجتهاد همواره گشوده است، این را سلف صالح به ما آموخته‌اند. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بایان اینکه نظم فقه موجود نیاز کنونی امت و جامعه ما را که در آن حکومت اسلامی برقرار شده و فقه مترقی و منعطف وزنده و زاینده ما در معرض پرسش‌های جدید و جهانی قرار گرفته، کفایت نمی‌کند، اظهار داشت: امام راحل (س) فرمودند فقه فلسفه‌ای دارد و فلسفه آن حکومت است و حکومت تمام فلسفه فقه است، پس امروز باید فقه به طرز صورت‌بندی شود که حکومت را اداره کند و اداره دولت با مجموعه احکام بی‌نظام ممکن نیست؛ دوست فاضل و عزیز ما فرموده‌اند اگر بنا بود فقه ساختاری داشته باشد امام بهترین فرد بود که باید این کار را انجام می‌دادند، اولاً از کجا که ایشان چنین کاری نکردند؛ درست است که ایشان کتابی با عنوان نظام حکومتی فقه نوشتند اما مطالبی که ایشان قبل و بعد از انقلاب اسلامی درباره حکومت اسلامی بیان فرمودند بسیاری از مباحث نظامی را ارائه کردند و ثانیاً بر ماست که از خلال کلمات نورانی ایشان آن را استخراج کنیم، و اگر حضرت امام اصل فکر و نظریه را ارائه فرمودند ولی مجال بسط و بازنمایی آن را نداشتند بر دیگران است که بر اساس مبانی ایشان نظام سازی کنند.

رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: وانگهی اگر امام مجال ارائه مفصل و مکتوب مبانی نظام فقهی جدید را نداشتند، یا احیاناً افرادی مانند شهید صدر (ره) یا هر کس دیگری یک نظریه را برای نظام سازی ارائه کرده باشند و مخدوش باشد دلیل نمی‌شود که فقه از اساس فاقد نظام باشد. اختلاف اقوال، انظار، نیز نه دلیل عدم نظام‌مندی شریعت در مقام ثبوت است و نه مانع نظام سازی فقهی در مقام اثبات است. بنا نیست نظام سازی مبتنی بر آراء متشتت و متعارض بنا شود، و قرار نیست با نظام سازی اجتهاد تعطیل یا دیگران ملزم به پذیرش ارائه‌کنندگان یک نظام و ساختار خاص باشند. چنین تلقی‌ها و تصوراتی، نه صحیح است و نه ممکن است و نه مطلوب است.